

نوشته‌ای از: حامد کنانی

## تخریب خانه و ضرب و شتم شاعر اهوازی ناصر جبر زرگانی

ماموران حکومت خانه‌ی «ناصر جبر زرگانی» شاعر مردمی اهواز را تخریب و وی به شدت مضروب ساختند. این خانه ساخته شده از بلوک سمیانی پناهگاه خانواده فقیر و محروم ناصر جبر زرگانی بود. هم اکنون با سری شکافته و بدنی خونین در یکی از بیمارستانهای اهواز به کما رفته است و هر آن ممکن است خبر مرگ این شاعر و مبارز شجاع را بشنویم.



ناصر جبر زرگانی شاعر معروف اهوازی

ناصر جبر زرگانی شاعر توده‌ها

نوشته‌ای از: حامد کنانی

الراد ام المعالی جود ببذل----- وابد ما یعیش ابهظم ببذل

ابمجلس لو تصدر زین ببذل-----الصدر صوبه یصیر اوطن فیہ

"ناصر جبر زرگانی"

ره جاودانی، فداکاریست.-----هر گز به ذلت و خواری تن در ندهید.

بزرگی با صدر مجلس نشستن نیست.-----صدر مجلس آنجاست که آزاد مرد بنشیند.

با قاطعیت می توانم بگویم که هیچ هموطن ایرانی بغیر از همشهریان او نام ناصر جبر زرگانی را تاکنون به گوش نشنیده و یا صاحب این نام را نمی شناسد .

ناصر جبر زرگانی شاعر مشهوری است که آوازه شهرت او نه تنها در بین ملت اهواز بلکه به جنوب عراق و کویت هم رسیده است ، او پس از استاد ملا فاضل سکرانی در ساختن چهار بیتی "أبوذیه" استاد معروفی است، أبوذیه یک چهار بیتی کوتاهی است که معمولاً تعداد کلمات بکار رفته در آن ما بین بیست الی سی کلمه است، این چهار بیتی که از سه مصراع با قافیه هایی از لحاظ ظاهری همانند ولی با سه معنای متفاوت و از يك مصراع چهارمی تشکیل می شود که با مصراعهای دیگر تفاوت دارد. مصراع چهارم که معمولاً قفل نامیده می شود باید بر وزن "جوهر یزناد الشامیه" باشد.

أبوذیه و برغم کمی کلمات بکار رفته در آن داستان منظوم بسیار کوتاهی است که حامل پیام مشخصی بوده و تاثیر آن بر شنونده و یا خواننده از یک مقاله و یا داستان چند صفحه ای هم گاهی بیشتر و موضوع آن می تواند عاطفی ، میهنی، سیاسی ، مذهبی و یا حتی فکاهی باشد.

در ادبیات و فرهنگ و موسیقی مردم عرب این چهار بیتی همیشه انتخاب اول شعراء و سراینندگان شعر عامیانه و محلی بوده است و "أهزوجه" یا "هوسه" و یا "یزله" که سرآینده آن "مهوال" با حرکات خاص و صدایی رسا اطرافیان را به هنگام جشن و جنگ و عزاداری به هیجان می آورد تا دایره وار پایکوبی بکنند، همان چهار بیتی أبوذیه است که فقط مصراع چهارم آن یا قفل آن وزن دیگری دارد البته ریتم مصراع آخر اهزوجه یا یزله در بعضی مناطق جغرافیایی و یا قبیله ایی متفاوت است و گاهی بعضی از قبایل بزرگ اهزوجه خاص خود را دارند.

این مقدمه را از آن سبب آوردم که خواننده گرامی را بیشتر با شاعر و مبارز آزادیخواهی آشنا سازم که به جرم سرودن این نوع شعر حماسی هفته پیش خانه بلوکی او با بیلدوزر و بیل مکانیکی توسط نیروهای امنیتی رژیم ددمنش جمهوری اسلامی مورد هجوم قرار گرفت، خانه ایی که بر روی یک میدان بزرگی از نفت شناور بود.

ناصر جبر زرگانی شاعری از تبار شایع حسن الهلالی است که در نیمه دوم دهه هفتاد قرن گذشته با ابیات ابوذیه خود آن عده از سران و روسای قبایل و عشایر عربی را مورد سرزنش و نکوهش قرار داد که به دستبوسی محمد رضا پهلوی رفتند، او ملت عرب را به پایداری و مقاومت در برابر ستمگران فرا می خواند.

در آن زمان اشعار شایع حسن الهلالی که توسط خوانندگان محلی بر روی نوار کاستهای کوچک خوانده می شد و مردم را به ایستادگی و ظلم ستیزی فرا می خواند، خشم رژیم شاهنشاهی را بر افروخت، چرا که ساواک از تأثیر آن بر توده های عرب آگاه شد و سران امنیتی رژیم شاهنشاهی فرمان قتل شایع حسن الهلالی را صادر و او را مورد تعقیب قرار دادند و پس از چند مرحله تعقیب و گریز و در لحظات واپسین در حالیکه شایع حسن الهلالی سوار قایقی بقصد پناه بردن به آن سوی شط العرب شده بود، مورد حمله رگبار مسلسلها قرار گرفت و به شهادت رسید.

تنها دو سال بعد از ماجرای حسن شایع الهلالی انقلاب و قیام مردمی در ایران شروع شد و شاعر ما ناصر جبر زرگانی هم در آن قیام مردمی شرکت کرد و از همان ابتدا خانه او در کوی زرگان اهواز محل تجمع جوانان انقلابی آن محله شد.

پس از سرقت انقلاب و بر باد رفتن آرزوی میلیونها ناصر در ایران و جنایت ننگین تیمسار احمد مدنی تنها سه ماه پس از پیروزی انقلاب و کشتار بی رحمانه خلق عرب و اعدام بسیاری از دوستان این شاعر روشنفکر او شیوه شایع حسن الهلالی را برگزید و با سرودن ابودیه های حماسی مردم را به آزادیخواهی و مقاومت در برابر ستمگران دعوت می نمود.

در عهد دیکتاتوری خامنه ایی نیروهای امنیتی رژیم با آگاهی از تأثیر شعر عامیانه عربی بر توده های مردم عرب، خانه شعر عربی را در اهواز تشکیل دادند که در آن شعرای خود فروخته در مدح ولی فقیه و تحریک مردم عرب جهت مشارکت در مراسم مذهبی و غیره شعر می سرودند، ناصر جبر زرگانی بارها از طرف فعالان در این خانه شعر دعوت شد اما هرگز به این خانه پای نهاد و بدین سبب مورد غضب عوامل رژیم قرار گرفت.

او محروم از همه حقوق در فقر مطلق زندگی کرد و هرگز از آرمانهای خود نگذشت و تسلیم نشد. چند سال پیش ناصر قطعه ای زمین در اطراف زادگاه خود خرید و خانه ای بلوکی برای خود ساخت تا پناهگاه خود و فرزندانش باشد.

اما مسولان امنیتی که این شاعر شجاع را زیر نظر داشتند به بهانه نداشتن مجوز ساخت خانه تصمیم به در هم شکستن ایستادگی و مقاومت مسالمت آمیز او گرفتند.

او در برابر نیروهای امنیتی تا دندان مسلح که برای دستگیری و تخریب خانه او آمده بودند با دستان خالی ایستادگی کرد و در برابر چشمان مبهوت فرزندان خود مورد ضرب و شتم قرار گرفت و هم اکنون با سری شکافته و بدنی خونین در یکی از بیمارستانهای اهواز به کما رفته است و هر آن ممکن است خبر مرگ این شاعر و مبارز شجاع را بشنویم.

خبر این حادثه دردناک فقط در وبسایتهای فعالان قومی خلق عرب آن هم به زبان عربی منتشر شد و به همین خاطر این خبر در سایتهای فارسی زبان بازتابی و انعکاسی نداشت، سایتهایی که اغلبشان امروز خبر مرگ مشکوک یک شاعر چینی در مسکو را منتشر کردند و از جنایتی که در حق شاعری آزادیخواه و مبارزی خستگی نا پذیر از هموطنان خود اتفاق افتاده است کاملاً بی اطلاعند.